گل مهربانی شاخه ای چند ؟

حکایت غریبی که آشنا می نوازد!

[زهرا بیگلری]

پا به دنیای دیگری می گذاریم - کمی دورتر از هیاهو و دغدغه های شهری و آشنا به دغدغه هایی به رنگ بی رنگ درد، حاصل نگاههای خاموش محبت و خنده های گمشده عصر تکنولوژی، عصر تنهایی، عصر...

"به طرف سرای سالمندان لقمان حکیم "، حکاکی تابلو لب جاده تازیان است .... دقایقی بعد روبرویمان دالان بزرگی است با سر در همان سرا -تاسیس ٦٦ اولین نیایشگاه آواهای بی رمق وفریادهای صامت دلتنگی !

واردسرا می شویم ،سمت چپ -چند ردیف طناب لباسی است ،لباسهایی از جنس تنهایی که با نوازش آرام باد خورده تکانی به خود می دهند... ثانیه هایی بعد خانم محمودی سرشیفت پرسنل با لبخندی مهربان ورود ما را خوشامد می گوید . ده قدمی جلوتر که می رویم نگاه ماتی که انگار با تمام قدرت ناگهان به رویای جوانیش چنگ انداخته باشند، کنجکاوانه عبور ما را طی می کند. به سلام دریایی ها پاسخ می دهد ونگاهش همچنان ما را با خود می برد....

مستقیم که می رویم دو طرف، فضای سبزی مبلمان شده با صندلیهای تکیده و لبریز از کهنگی خاطرات صدایمان می زند ! گویی تمام اعضای این کوچه باغ حتی در دیوارش هم با تو حرفها دارند ، حرفهایی از جنس نگفتن؟ !

به سمت خوابگاه مردان کوچه باغ - همهمه ی آوازهای خاموش به گوش می رسد که افسار گسیخته به پیشوازمان می آیند ، رشته های باران احساس به دلمان چنگ می اندازد ، نفیر باد حسرت در فضا موج می زند !وارد راهرویی باریک وبلند می شویم که گویی حکایت از سالهای غبار گرفته عمر ساکنانش را دارد و از دو طرف خوابهای شیرین آنان را تنگ در آغوش کشیده "آسمانش را گرفته تنگ در آغوش" یک در میان بر روی صندلیهای رو به انتظار آرام خمیده اند ، لبخند شان شاید کمی ترک خورده اما نگاهشان هنوز از دیدنهای تازه برق می زند . یکی سرخمیده و در حسرت آروزهای نشکفته ، یکی سربلند و مفتخر به آنچه که بوده وهست و دیگری سر به آسمان تنهایی سائیده ... ! درپس هر نگاهی گویی دریایی از واژه های سر به گردون سای ناگفته، خفته است که سالها چشم در راه بهاری دوخته تا بشنود " کی می رسد باران ؟ !"اما نه ! " باغ بی برگی " نیست ، نه ! اینجا کشتگاه رویاهای درخواب مانده است ؛اشکهای نریخته و نگاههای در طاقچه بدرقه نشسته !اینجا خورشید شعله های زر تا رو پودش جور دیگری برسرنیایشگاه نشینانش خودنمایی می کند ، آسمان گویی هویتی دیگر بر تن آبیش دارد و آدمهایی که لباس شب بر تن آرزوها شان کردند ! اینجا نگاههای مراقبی را می بینی که باهدیه لبخند ایثار، دلهای بی ریای این کوچه باغ نشینان را تا اوج بودن بدرقه می کنند تا برگ برگ مانده از خاطراتشان از حسرت مچاله نشود ؟ اینجا ایستگاه انتظار خط زندگی است !

بوسیا،ابوالفضل بوسیا یکی از همان نیایشگاه نشینان است ، اهل آمل ، او ۱۸ بهار خود را وقف انتظاردیدار در این کوچه باغ کرده با این همه ،توکلش هنوز هم بوی هیاهوی جوانیش را می دهد ! ما را میهمان چند صلوات می کند و ازما تسبیحی به نشانه زندگی می ستاند !

سمت راست ، انتهای راهرو- اتاقی نسبتا بزرگ ، دورتا دورش با تختهایی آویز ثانیه های تنهایی تزئین شده وقابهای کوچک و سفیدی که هویت تخت نشینان را فریاد می زنند ! اتاق خالی است . مدیر مسئول ، سردبیر، خبرنگار، عکاس و... وسط اتاق حلقه زده ایم انگار که سعی کنیم نگاهمان جور دیگری باشد ! " ای کاش عظمت در نگاه تو باشد ... " همه مات و رازناک می نگریم ، اما رازی در کار نیست ، بسته شدن دفتر جوانی و محکوم شدن به آغاز دیوان نم زده ی پیری رازناک نیست ، حکایت غریبی ست که آشنا می نوازد !

بر می گردیم، وسط راهرو اتاق دیگری است ، اتاقی هشت تخته ، روی تخت روبرو با پاهای تاخورده که گویی برایت دهنی کجی می کنند ، پهن شده ! از نداشته هایش می گوید " پدر ، مادر ، آینده.... " مثل بقیه نیست ، خیلی جوان تر می زند ، واضح است که دیوان پیری اش حتی ورق هم نخورده ! پدر ومادرش را در تصادف از دست داده است ! ظاهرا

... همه مات و رازناك می نگریم ، اما رازی در کار نیست ، بسته شدن دفتر جوانی و محکوم شدن به آغاز دیوان نم زده ی پیری رازناك نیست ، حکایت غریبی ست که آشنا می نوازد!

این سرا میزبان بیماران روحی -روانی نیز هست . اسمم را می پرسد، طفره می روم ، اما تکرار می کند " اسمت چیه؟ " - زهرا ،خانم محمودی لبخند می زند زهرا ، زهرا .... مرتب اسمم را تکرار می کند ، دلم ریش می شود ، ترس گنگی سراپایم را فرا می گیرد، صدایش درگوشهایم سنگینی می کند ، خود را در لابه لای همکاران قایم می کنم !

سمت راست اتاق ،خود را لای یک ملحفه ای پیچیده، مانند تکه کاغذی مچاله شده می ماند ، آرام به خواب رفته انگار که نخواهد لحظه ای از رویاهایش غافل بماند !

روبرویش پیرمرد دیگری با دستش هویت هم تختی اش را نشانه گرفته ومی خواهد که به سراغش برویم ... پیر مردی تکیده و رنجور که گویی تکه تکه، گذشته ی غبار گرفته اش را قورت داده باشد ، چه زجری ؟ ! درحالیکه دست و پاهایش را سخت در آغوش کشیده ، نگاهش را مدام از ما پنهان می کند، نگاهی که وصله شده به ترس از بی مهری ست نه شرم و خجالت ! !

■■■

عیسی واحدی مدیر سرای سالمندان در پاسخ به سوالات جور واجور ما می گوید: این مرکز وظیفه نگهداری از ۸۵ زن و مرد سالمند رابا مراقبت ۳۸ پرسنل به عهده دارد. اینجا علاوه بر نگهداری از سالمندان، مراقبت از بیماران روانی ، مجهول الهویه، صعب العلاج را نیز به عهده دارد. وی ادامه می دهد : این بیماران از طریق خانواده ها (که توان مالی کافی برای نگهداری سالمندان ندارند) ابتدا به بهزیستی وسپس به ما معرفی می شوند که هزینه هر فرد در ماه ۲٦٥ هزار تومان بوده (۱۰۵ هزار تومان توسط بهزیستی و مابقی بدلیل عدم حمایت مالی از سوی خانواده هاونداشتن توان مالی آنان توسط هیئت امناء وخیرین تامین می گردد) با این حال این حمایت ها کافی نبوده ومرکز همچنان نیازمند کمکهای بیشتری از سوی مردم و خیرین می باشد.

■■■

به طرف نیایشگاه زنان سالخورده - وسط راهرو روی ویلچر نشسته وکلاهی اسپرت بر سر دارد ، نگاهش رو به پایین است و لبانش آویز سکوت ، دیگری ،پیرزنی بانگاهی مهربان و لبانی به خنده آذین شده ، دست و پاهایش زمین را قلقلک می دهند ، کشان کشان خود را به حلقه ی دریایی هامی رساند. دست یکی از همکارانم را سخت در آغوش گرفته ویک بوسه هدیه اش می کند . در دایره دریایی ها چرخ می خورد ، انگار که خود را در حلقه ای لبریز از محبت محصور دیده باشد ، باتک تک ما دست رفاقت می دهد ...

کمی آن طرف تر، نگاهی مبهوت که از دور دستها گویی احساس می چیند ، در چارچوب در، آرام ایستاده در حالیکه تنها از نگاه ماعبور می کند پا از دنیای خویش فراتر نمی گذارند !

به سمت چپ بعد از پیشخوان راهرو- اتاق به اتاق می چرخیم ، یک اتاق مانده به آخر ، به آنجا نیز سرک می کشیم روبرو یخچال کوچکی است که گلدان گلی را سوار بر دوش دارد وسمت راستش تختی ؛ درد سنگین تنهایی مادری را در سینه دارد که از حرکت و اوج گرفتن بازمانده ،جسم اش بر زمین سنگینی می کند ، پر پرواز ندارد ، پاهایش دیگر ایستادن را تجربه نخواهد کرد ! جلوتر مادر دیگری است که دستانش را زیر چانه اش کنجکاوانه گره زده ، سلاممان را با چاشنی شیرین "چاق سلامتی" پاسخ می دهد. نمی دانم شاید سالهاست که مارا می شناسد، شاید هم وانمود می کند ! دوست داردبیشتر با او حرف بزنیم ، همکارم هم به خواسته اش پاسخ می دهد و درد دلی کوتاه با مادری که سالهاست سنگ صبورش را گم کرده تجربه می کند .عکاس مان هم یک عکس یادگاری خوشگل از قاب درد دلش می اندازد !دستش را به نشانه خداحافظی بالا می گیرد اما چشمانش سلامی دوباره را جستجو می کند ! !

بگذارید این سناریو زنده را همین جا خاتمه دهیم ، ادامه اش ممکن نیست ، بغض در گلویمان تلنبار شده، این درد بزرگتر از آن است که تنها برایش گریست ! از خود بپرسیم به چه حقی و بنا به چه قانونی ، مهر و محبت فرزندی را از پدران و مادرانمان دریغ می کنیم ؟ ! چگونه می شود که اینگونه بیرحمانه برقانون عشق می تازیم تا انکارش کنیم ؟ غافل از اینکه این حلقه ی محبت گم شدنی نیست تا نخواهیم پیدایش کنیم. برای اثبات نبودنش باید از انکار خویش شروع کنیم ، حال براستی من وتو قابل انکاریم؟؟ !

بیایید خود قاضی احساسمان شویم و "محبت" این قانون نسخ شده نیایشگاه نشینان را به آنان برگردانیم، مگر مهربانی شاخه ای چند است ؟ ! تنها یک شاخه گل مهربانی تقدیم شان نمائیم ! گل فروشی دور نیست درهمین نزدیکی است !... قلب من وتو

اخبار

مدیر کل تعاون هرمزگان ؛

بنیاد های توسعه تعاون جلوی انحراف منابع را می گیرد

■ مدیر کل تعاون هرمزگان هدف از ایجاد بنیادهای توسعه تعاون و کارآفرینی در استان را ایجاد اشتغال و جلوگیری از انحراف منابع اعلام کرد .

مهدی عسکری زاده با توجه به وجود طرح بنگاه های زودبازده به عنوان مهمترین طرح اشتغالزایی دولت ، هدف از پیگیری ایجاد اشتغال از طریق بنیادهای توسعه تعاون و کارآفرینی گفت:احساس این است که طرحهای دیگر باید به تسریع در زنجیره تولیدشغل کمک کنند .

وی اظهار داشت : طرح ایجاد اشتغال از طریق بنگاه های زودبازده و همچنین بنیادهای توسعه تعاون و کار آفرینی باید در دولت دهم نیز مورد پیگیری قرار گیرد تا از این طریق بتوان تشکلهای ایده پردازی و افکار کارآفرینانه را در استانها برای ایجاد فرصتهای شغلی تجمیع کرد . عسکری زاده تاکید کرد : فقط از طریق پرداخت تسهیلات به گروه های منسجم و دارای طرح روشن اشتغالزایی می توان جلوی هدر رفتن و به انحراف کشیده شدن منابع را گرفت .

مدیر کل تعاون ادامه داد :بنیادهای توسعه تعاون و کارآفرینی از طریق تجمیع منابع و مشارکت داوطلبانه تعدادی از ایده پردازان و افراد غیر دولتی ، اساتید دانشگاه و با تجربه های اقتصادی در استانها شکل گرفته است که می توان تقویت کننده مسیر گذشته و تکمیل کننده بعضی از موانع کسب و کار باشند .

بهره برداری از اولین پروژه آبیاری تحت فشار در بندرلنگه

■ اسماعیل کرمی فرد ، مدیر جهاد کشاورزی بندرلنگه از بهره برداری از اولین پروژه آبیاری تحت فشار در این شهرستان خبر داد .به گزارش روابط عمومی جهاد کشاورزی بندرلنگه ، مدیر جهاد کشاورزی گفت : در سطح ۷/۸ هکتار از اراضی این شهرستان در روستای پدل با اعتبار بالغ بر۲٦٤میلیون ریال به بهره برداری رسیده است.

وی در ادامه افزود : تجهیز شبکه آبیاری تحت فشار برای ۵۰۰ هکتار از اراضی این شهرستان در دستور کار قرار دارد که از این میزان ۵/۵٤ هکتار آن در مراحل پایانی اجرای طرح و میزان ۱۵۱ هکتار نیز طراحی آن صورت گرفته است و در مراحل ابتدایی اجرای طرح می باشد .

همچنین میزان ۵۰ هکتار از اراضی دیگر نیز در این شهرستان شناسایی و در مرحله تشکیل پرونده و طراحی است .

آگهی ماده ۱۴۷ -اصلاحی

نظر به اینکه هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک رودان به شرح رای شماره ۳٦٦۷ مورخه ۸۷/۲/۲۳ تصرفات مفروزی از مالکانه آقای احمد رحیمی پور فرزند محسن شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۵۲۲متر مربع یک قسمت مفروز از پلاک ۱۲۰۰فرعی از ۷ اصلی واقع در بالا شهر دهبارز رودان بخش ۳ بندرعباس را تایید نموده و به جهت عدم دسترسی به مالک اولیه مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد . علیهذا در اجرا بند ٦ ماده یک قانون اصلاحی مواد یک و دو و سه ماده ۱٤۷ قانون ثبت مصوب ٦۵/٤/۳۱الحاق موادی به آن مصوب ۷۰/٦/۲۱ و بند ٤ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی آن در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی می شود چنانچه ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراضی از طرف کسی به ثبت اسناد و املاک رودان نرسد اداره ثبت و اسناد و املاک رودان سند مالکیت بر اساس مفاد رای صادره فوق در حدود مقررات صادر خواهد کرد . در صورت وصول اعتراض مراتب به دادگاه صالحه اجاله می گردد و در هر حال صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

تاریخ انتشار نوبت اول : ۸۸/٦/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۸۸/٦/۳۰ شماره ۴۳۵۹

اسماعیل ربیعی نژاد -سرپرست ثبت اسناد و املاک رودان

اصلاحیه دادخواست

پیرو نامه ۸۸/۵/٤ شماره ۸٤۵ مورخه یکشنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۸۸ در خصوص دادخواست تقدیمی خواهان حسین بصیریان فرزند باران به طرفیت خواندگان ۱ - محمد کریمی ۲ - اسدالله علامه زاده دوانی به خواسته انتقال سند یکدستگاه خودروی پژو ٤۰۵ به شماره شهربانی ٦۳ ایران ۱۵٤ د ۱٤ نظر به مجهول المکان بودن خواندگان یک نوبت آگهی یک ماهه از انشتار آگهی وجهت درج در پرونده . بدینوسیله خواندگان از تاریخ نشر این آگهی به مدت یک ماه فرصت دارند به شورای حل اختلاف مربوطه مراجعه نمایند .

شورای حل اختلاف شهید مطهری بندرعباس

جناب آقای شیرزاد عزتی

مسئول روابط عمومی ستاد اقامه نماز استان ضمن قبولی طاعات و عبادات ، بازگشت عارفانه شما را از کربلای معلی تبریک عرض نموده ؛ امید است زیارتتان مقبول درگاه ایزد منان قرار گرفته باشد .

امین زارعی- دریا

آگهی مناقصه شماره ۷/ خ مرداد ۸۸

شماره مجوز ۱۹۸۲۹۱

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان در نظر دارد کارتهیه نقشه های اجرائی با جزئیات ومتره وبرآورد هزینه وزمان طرح احداث دوباب ساختمان اداری ناحیه کیش به متراژ ۲۱۶ و ۲۷۰ مترمربع به انضمام کلیه محاسبات را ازطریق برگزاری مناقصه عمومی با شرایط ذیل به مشاور واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت های مشاوره دارای سابقه کاری مفید وتخصص لازم در این زمینه دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه وشرح خدمات مهندسی پروژه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی به واحد خدمات مهندسی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان واقع در بندرعباس - بلوار پاسداران - جنب اسکله شهید باهنر به شماره تماس ۴۵۱۳۲۷۲-۰۷٦۱ مراجعه نمایند.

۱- مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه ۱۰۰۰۰۰۰۰ ده میلیون ریال
۲- مدت اجرای کار یک ماه
۳ - داشتن رتبه ازسازمان مدیریت وبرنامه ریزی درشاخه های ابنیه وتاسیسات
۴- ارائه فیش بانکی به مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شماره سیبا ۴۱۲۰۰٦۰۱۰۰۰۰۰ بانک ملی شعبه شرکت نفت بندرعباس بابت خرید اسناد مناقصه

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی

منطقه ویژه اقتصادی
بندر شهید رجائی
اداره کل بنادر ودریانوردی
استان هرمزگان

اطلاعیه

به اطلاع مسافرین محترم جزایر قشم وهرمز می رساند ، کلیه ترددهای مسافرین از بندر شهید حقانی در روز ۸۸/٦/۳۱ به بندر شهید باهنر انتقال می یابد . همچنین از تاریخ اول مهرماه ، بندر شهید حقانی به مدت ۵ ماه تعطیل بوده وتردد مسافرین از بندرصیادی پشت شهر بندرعباس واقع در ابتدای بلوار ساحلی جنب بازار ماهی فروشان انجام خواهدشد . شهروندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۵۵۵۸۸۹۹ بندر شهید باهنر تماس حاصل نمایند .

روابط عمومی اداره کل بنادر ودریانوردی استان هرمزگان

روز خوش روز بدون حادثه است
www.bnd۱۲۵.ir
روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس

چه نیکوست هنگامی که سالخورده ای سوار اتوبوس می شود جوانان جای خود را به او بدهند
سازمان اتوبوسرانی بندرعباس و حومه